

رمزگردانی و ارتباط آن با دیگر پدیده‌های حاصل از برخورد زبانی

پارسا بامشادی*

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی،
تهران، ایران

نگار داوری اردکانی**

دانشیار زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی،
تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲۱، تاریخ تصویب: ۹۷/۱۱/۱۰، تاریخ چاپ: فروردین ۱۳۹۸)

چکیده

یکی از پویاترین گستره‌های پژوهشی در زبان‌شناسی اجتماعی، جستار در زمینه رمزگردانی، به‌ویژه در سه دهه گذشته بوده است. رمزگردانی یکی از پدیده‌های زبانی برآمده از هم‌کنشی زبان‌ها، به‌ویژه در جوامع دو یا چندزبانه است. تعریف‌های گوناگونی برای رمزگردانی ارائه شده که به‌سختی می‌توان میان آنها به نقطه مشترکی دست یافت. از این رو پرداختن به این تعاریف، با هدف رسیدن به تعریفی کاربردی و فراگیر یا دسته‌بندی نظام‌مند تعریف‌های موجود ضروری می‌نماید. ارتباط میان رمزگردانی و دیگر پدیده‌های زبانی برآمده از برخورد زبان‌ها نیز درخور توجه است. در پژوهش پیش رو به موضوع رمزگردانی و تعریف‌های گوناگون آن، پیشینه مطالعاتی آن، ارتباط آن با دیگر پدیده‌های حاصل از برخورد زبانی همچون دو/چندزبانگی، وام‌گیری، رمزآمیزی، تداخل، زبان آمیخته و نیز فواید مطالعه رمزگردانی و برخی از کارکردهای آن پرداخته می‌شود. این مقاله بخشی از یک کار پژوهشی گسترده‌تر درباره جنبه‌های گوناگون رمزگردانی است که دیگر بخش‌های آن، در آینده‌ای نزدیک، ارائه خواهد شد. در بخش‌های آتی سه رویکرد اصلی در بررسی رمزگردانی یعنی رویکرد ساختاری، رویکرد زبان‌شناختی اجتماعی و رویکرد روان‌شناختی زبان ارائه و بررسی و دستاوردهای هر یک از آنها مطرح خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: رمزگردانی، زبان‌شناسی اجتماعی، وام‌گیری، دوزبانگی، چندزبانگی، برخورد زبانی.

* E-mail: parsa.bamshadi@gmail.com: نویسنده مسئول

** E-mail: n_davari@sbu.ac.ir; negar.davariardakani@anu.edu.au

۱- درآمد

در بسیاری و یا شاید در همه جوامع دو یا چندزبانه در سراسر جهان، سخنگویان در فرایند ارتباط با دیگر افراد جامعه ناگزیرند میان دو یا چند زبان دست به‌گزینش بزنند. یکی از گزینش‌هایی که دوزبانه‌ها پیش روی خود می‌بینند، رمزگردانی است. پرسشی که همواره زبان‌شناسان اجتماعی را درگیر خود کرده، این است که رمزگردانی چیست و چرا و چگونه روی می‌دهد.

نخستین مطالعات رمزگردانی را یاکوبسن، فنت و هله^۱ (۱۹۵۲) انجام دادند که به‌پدیده‌ای با نام «گرداندن رمز»^۲ اشاره کردند و کار آنها مبتنی بر کار فانو^۳ (۱۹۵۰) درباره نظریه اطلاعات^۴ و نیز کار فریز و پیکه^۵ (۱۹۴۹) درباره «نظام‌های واجی همبود»^۶ بود. فریز و پیکه کوشیدند نشان دهند که در یک گفتار تک‌زبانه ممکن است همزمان دو یا چند نظام واجی وجود داشته باشد. در همین راستا هویجر^۷ (۱۹۴۸) دو مفهوم «تناوب واجی»^۸ و «دگرگونی واجی»^۹ را مطرح کرد که می‌توان آن‌ها را به‌ترتیب متناظر با رمزگردانی و وامگیری دانست. اما در هیچ یک از این کارها از اصطلاح رمزگردانی نامی برده نشده است. یاکوبسن، فنت و هله (۱۹۵۲) و یاکوبسن (۱۹۶۱) مفهوم «رمز» را از نظریه اطلاعات برگرفتند و آن را در کاوش‌های خود به‌کار بردند. یاکوبسن مفهوم «گرداندن رمز» را برای اشاره به تغییری به‌کار برد که یک گوینده تک‌زبانه یا دوزبانه، باید انجام دهد تا بتواند نظام (یا رمز) زبانی فرد دیگر را تفسیر (رمزگشایی) کند یا خود این نظام زبانی را تولید کند. فانو (۱۹۵۰) که در زمینه اطلاعات و ارتباطات کار می‌کرد، از مفهوم گرداندن رمز برای اشاره به‌فرایندی استفاده می‌کند که در مغز ما روی می‌دهد تا بتوانیم زبان طرف مقابل را درک کنیم، به‌ویژه هنگامی که تغییر زبان روی می‌دهد. از دیدگاه فانو، رمزها مواد زبانی نیستند، بلکه آنی‌اند که ما برای تولید و تفسیر گفتار از آن‌ها بهره می‌بریم. به سخن دیگر، گرداندن رمز یک پدیده صرفاً روانشناختی است که شامل

1. Jakobson, Roman, Gunnar, M. Fant and Morris Halle.

2. switching code

3. Fano, R.M.

4. information theory

5. Fries, Charles C., and Kenneth L. Pike.

6. coexistent phonemic systems

7. Hoijer, Harry

8. phonemic alternation

9. phonemic alteration

دگرگونی در سازوکار ذهنی فرد، برای شناسایی و تشخیص نمادهای واجی گفتار طرف مقابل است. اما در همه پژوهش‌های انجام گرفته درباره رمزگردانی، «رمز» و «گونه زبانی» دو مفهوم یکسان پنداشته شده‌اند که این برداشت گسترده از مفهوم «رمز» با معنای اولیه آن در نظریه ارتباطی تفاوت آشکار دارد (آلوارز-کاکامو^۱، ۱۹۹۸: ۳۴-۳۰).

بر این پایه، می‌توان گفت که سه گرایش پژوهشی در شکل‌گیری مطالعه روی رمزگردانی نقش داشته‌اند: واج‌شناسی ساختاری، نظریه اطلاعات و پژوهش‌های دوزبانگی. نخستین اشاره آشکار به اصطلاح «رمزگردانی» را می‌توان در پژوهش‌های ووگت^۲ (۱۹۵۴) درباره دوزبانگی یافت که می‌گوید: «رمزگردانی شاید یک پدیده زبانی نیست، بلکه پدیده‌ای روان‌شناختی است که انگیزه‌های آن آشکارا برون‌زبانی‌اند». این اصطلاح سپس در پژوهش‌های هاگن^۳ (۱۹۵۶)، دیبلد^۴ (۱۹۶۱) و یاکوبسن (۱۹۶۱) نیز با همان دیدگاه روان‌شناختی به کار رفت. خاستگاه نگاه به رمزگردانی از دیدگاه کارکردی و اندرکنشی را می‌توان آثار گامپرز پیرامون گویش‌شناسی اجتماعی در هند قلمداد کرد (گامپرز، ۱۹۵۸، ۱۹۶۱، ۱۹۶۴؛ گامپرز و نایم^۵، ۱۹۶۰). با این وجود، گامپرز خود می‌گوید که مفهوم رمزگردانی را به عنوان پدیده‌ای گفتگویی، از یاکوبسن گرفته است. از آن زمان تا کنون پژوهش‌های بسیاری درباره پدیده رمزگردانی و سویه‌های گوناگون ساختاری، روان‌شناختی و کارکردی-گفتمانی آن انجام گرفته و سبب شده است که این موضوع در کانون مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی و به‌ویژه زبان‌شناسی برخورد^۶ قرار گیرد. اهمیت و جایگاه ویژه پژوهش‌های رمزگردانی در زبان‌شناسی اجتماعی، گستردگی و گیرایی این موضوع، در مطالعات زبان‌شناختی امروز و نیز وجود زبان‌ها و گویش‌های پرشمار در ایران است که به پیدایش پدیده دو/چندزبانگی و پسامد آن رمزگردانی انجامیده است که ارائه واکاوی فراگیر از رمزگردانی و بررسی ارتباط آن با برخی دیگر از پدیده‌های زبانی را ضروری کرده است. البته در این مقاله که بخشی از کار پژوهشی گسترده‌تری است، بر تعریف پدیده رمزگردانی، همگونی‌ها و ناهمگونی‌های آن با دیگر پدیده‌های برآمده از برخورد زبانی (همچون دو/چندزبانگی، وام‌گیری، رمزآمیزی، تداخل و زبان آمیخته)، فواید و چرایی مطالعه

1. Alvarez-Cáccamo, Celso
2. Vogt, Hans.
3. Haugen, Einar.
4. Diebold, A. Richard
5. Gumperz, John J., and C.M. Naim
6. contact linguistics

رمزگردانی و نیز برخی از انگیزه‌ها و کارکردهای این پدیده تمرکز شده است. بررسی و نقد رویکردهای ساختاری، جامعه-زبان‌شناختی و روان-زبان‌شناختی به‌پدیده رمزگردانی در مقاله‌های آینده ارائه خواهد شد.

این مقاله در شش بخش سازماندهی شده است. در بخش دوم، به پیشینه پژوهش‌های انجام‌گرفته پیرامون رمزگردانی در ایران پرداخته می‌شود. در بخش سوم، بنیادهای مسئله رمزگردانی بررسی می‌شود که دربردارنده تعریف‌های گوناگون رمزگردانی و تفاوت‌های آن با دیگر پدیده‌های ناشی از برخورد زبانی است. در بخش چهارم، چرایی مطالعه رمزگردانی مطرح می‌شود. در بخش پنجم، برخی از انگیزه‌ها و کارکردهای رمزگردانی بازگشایی شده و در بخش ششم نیز به نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

۲- پیشینه پژوهش‌ها در ایران

شمار پژوهش‌هایی که در جامعه زبان‌شناسی ایران بر روی رمزگردانی انجام شده چندان چشمگیر نیست و بیشتر آن‌ها پژوهش‌های میدانی و کاربردی‌اند که به بررسی پدیده رمزگردانی میان گروه‌هایی از ایرانیان در داخل یا خارج کشور پرداخته‌اند. در ادامه، نگاهی کوتاه به این پژوهش‌ها می‌افکنیم.

۲-۱- پژوهش‌های انجام‌گرفته به زبان انگلیسی

ناصر لطف‌آبادی (۲۰۰۲) رمزگردانی را بین دوزبانه‌های سوئدی/فارسی شهر استکهلم و با در نظر گرفتن تفاوت‌های رده‌شناختی میان این دو زبان بررسی کرده است. وی دریافته که دوزبانه‌ها به‌صورت گسترده‌ای با دگرگونی ساختار فعل‌های مرکب فارسی و آمیزش آن‌ها با فعل‌های سوئدی، فعل‌های مرکب تازه‌ای را ساخته و به‌کار می‌گیرند. بنی‌شراکا^۱ (۲۰۰۵) موضوع گزینش زبان و رمزگردانی را در میان آذری‌زبانان شهر تهران بررسی کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فرایند گذار زبان از دوزبانگی آذری-فارسی به‌سوی تک‌زبانگی فارسی به‌پیش می‌رود و البته این موضوع به سن، سطح تحصیلات و محل زندگی بستگی دارد. یافته‌ها همچنین گویای آنست که دوزبانه‌های آذری-فارسی از رمزگردانی هم به‌عنوان گزینشی نشان‌دار و هم بی‌نشان بهره می‌گیرند. رضاییان (۲۰۰۹) به بررسی جنبه‌های

ساختاری و اجتماعی رمزگردانی در میان دوزبانه‌های ایرانی-کانادایی در شهر ونکوور کانادا پرداخته است. از یافته‌های این پژوهش این است که سن و جنسیت، تاثیر چندانی بر چندوچون رمزگردانی ندارد و نیز میزان آمیزش ساختواژی و نحوی عناصر، معیار معتبری برای تمایز میان وامگیری و رمزگردانی در جامعه مورد پژوهش نیست. جعفری (۲۰۱۱) نقش تسهیل‌کننده و بازدارنده رمزگردانی را میان معلمان و زبان‌آموزان ایرانی زبان انگلیسی پژوهش کرده است. یافته‌های این پژوهش گواه آنست که بیشترین کارکرد رمزگردانی میان معلمان، برای بیان معادل فارسی واژه‌ها و عبارت‌های انگلیسی است، در حالی که میان زبان‌آموزان بیشترین کارکرد آن، بیان شوخی است. همه معلمان و بیشتر زبان‌آموزان بر این باور بوده‌اند که باید تا حد امکان از کاربرد زبان فارسی در کلاس‌های درس پرهیز شود، حتی اگر به‌کارگیری زبان فارسی نقش تسهیل‌کننده در ارتباط میان آن‌ها داشته باشد.

۲-۲- پژوهش‌های انجام‌گرفته به‌زبان فارسی

بیشتر پژوهش‌های انجام‌گرفته به‌زبان فارسی، به بررسی پدیده رمزگردانی در کلاس‌های درس دوزبانه پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان این نمونه‌ها را نام برد:

احمدی (۱۳۹۲) پدیده رمزگردانی و انواع و کارکردهای آن را میان معلمان زبان انگلیسی در آموزشکده‌های زبان‌های خارجی در شهر سنندج بررسی کرده و دریافته است که دو کارکرد اصلی رمزگردانی میان این معلمان، پاسخ‌گویی به پرسش‌های زبان‌آموزان و افزایش جذابیت و گیرایی گفته‌های خود بوده است. وی همچنین دریافته است که متغیرهای جنسیت، سن، تجربه آموزشی و مدرک تحصیلی تاثیری بر رمزگردانی معلمان ندارد، اما سطح مهارت زبان‌آموزان در این پدیده اثرگذار بوده است. حیدری و همکاران (۱۳۹۲) پدیده رمزگردانی معلمان را در کلاس‌های درس دوره ابتدایی در مناطق دوزبانه ترکی آذری-فارسی مورد پژوهش قرار داده‌اند. اینان دریافته‌اند که معلمان برای برآورده‌سازی نیازهای دانش‌آموزان خود و نیز انجام دو نقش اصلی خود در کلاس درس، یعنی وظیفه یاددهی-یادگیری و تربیتی-انضباطی، از رمزگردانی بهره می‌گیرند. عموزاده و ویسی‌حصار (۱۳۹۳) دو پدیده رمزگردانی و رمزآمیزی را در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی شهرستان بوکان مطالعه کرده‌اند. این پژوهشگران دریافته‌اند که در پدیده‌های رمزگردانی و رمزآمیزی برآمده از برهم‌کنش سه زبان فارسی و کردی و انگلیسی، سه عنصر بافت، شناخت و زبان با هم ارتباطی تنگاتنگ دارند. به‌سختی دیگر، چارچوب‌های ذهنی افراد پیرامون موقعیت و موضوع، تعیین‌کننده نوع رمزگردانی است.

ضیاء حسینی (۱۳۷۸) نیز به بررسی رمزگردانی در میان ایرانیان مقیم چند ایالت در آمریکا پرداخته است. وی انگیزه اصلی دوزبانه‌های فارسی-انگلیسی برای رمزگردانی را مبتداسازی^۱ دانسته و دریافته که این دوزبانه‌ها، انگلیسی را زبان برتر و معتبرتر می‌دانند و از آن برای بیان منظور و نیت اصلی خود بهره می‌گیرند، در حالی که فارسی را تنها به‌عنوان بستر گفتگو به‌کار می‌برند.

۳- رمزگردانی و دیگر پدیده‌های حاصل از برخورد زبانی

در این بخش ابتدا تعریف‌هایی را که پژوهشگران برای پدیده رمزگردانی ارائه کرده‌اند، مرور و بررسی می‌کنیم، سپس به تفاوت این پدیده با دیگر پدیده‌های ناشی از برخورد زبان‌ها می‌پردازیم. البته پیش از پرداختن به تعریف رمزگردانی بایسته است که مفهوم «رمز» و تعریف آن را بدانیم.

۳-۱- رمز

کریستال^۲ (۲۰۰۸: ۸۳-۸۲) رمز را یک برجسپ خنثی برای هر نوع نظام ارتباطی می‌داند که زبان‌شناسان اجتماعی را از به‌کارگیری اصطلاحاتی چون زبان، گویش یا گونه که کاربرد ویژه‌ای در نظریه‌پردازی‌های آنان دارد، بی‌نیاز می‌کند. وارداف^۳ (۲۰۰۶: ۸۸) به‌کارگیری اصطلاح «رمز» را از این رو سودمند می‌داند که برخلاف اصطلاح‌هایی همچون زبان، گویش، سبک و مانند آن، اصطلاحی خنثاست. وی رمز را بیانگر هر نوع نظامی می‌داند که دو یا چند نفر از آن برای برقراری ارتباط با یکدیگر بهره می‌گیرند. رمز می‌تواند زبان، گویش، سبک، سیاق یا گونه باشد. اینجاست که باید اصطلاح رمزگزینی را تعریف کرد که با رمزگردانی هم بی‌ارتباط نیست. همان‌گونه که وارداف (۲۰۰۶: ۸۸) می‌گوید، افراد همین‌که بخواهند سخن بگویند، ناگزیرند یک رمز (زبان، گویش، سبک، سیاق یا گونه) را برگزینند. همچنین می‌توان بر حسب نیاز از یک رمز، به‌رمز دیگر گردش کرد. بر این پایه، زبانوران ناچار به رمزگزینی‌اند و رمزگردانی هم یکی از گزینه‌های پیش روی آن‌هاست. نکته جالب توجه این است که برابند و فرآورده فرایند رمزگردانی، خود یک رمز جدید است.

1. topicalization
2. Crystal, David
3. Wardhaugh, Ronald

۳-۲- تعریف‌های رمزگردانی

تعریف‌هایی که پژوهشگران برای رمزگردانی ارائه داده‌اند، پرشمار و ناهمگون‌اند. در هر پژوهشی که پیرامون رمزگردانی انجام شود، لازم است که نخست تعریف روشن و دقیقی از موضوع مورد پژوهش انجام گیرد. در این بخش، شماری از تعریف‌های موجود را بیان و بررسی می‌کنیم، سپس می‌کوشیم به تعریفی درست و فراگیر از موضوع یا دسته‌بندی نظام‌مندی از تعریف‌ها برسیم.

در برخی تعریف‌ها «رمز» را برابر با «زبان» دانسته‌اند، مانند پنج تعریف زیر:

پاپ لک^۱ (۱۹۸۰): تناوب دو زبان در یک گفتمان، جمله یا سازه واحد.

آوور^۲ (۱۹۸۴: ۱): استفاده متناوب از بیش از یک زبان.

میروز-اسکاتن^۳ (۱۹۹۳b: vii): به‌کارگیری دو زبان یا بیشتر در یک گفتگو.

میروز-اسکاتن (۲۰۰۲: ۳): به‌کارگیری دو زبان در یک بند.

مویسکن^۴ (۲۰۱۱): به‌کارگیری بیش از یک زبان در یک رویداد ارتباطی واحد.

روشن است که در دو تعریف نخست، واحدی برای مطالعه رمزگردانی مطرح نشده است، اما تعریف سوم، «بند» را واحد مطالعه دانسته است. چنین می‌نماید که این تعریف‌ها بسیار ساده و غیرتخصصی باشند. زیرا در پدیده‌های دیگری، همچون وامگیری و تداخل نیز بیش از یک زبان دخالت دارد. از این رو، نیاز است تا رمزگردانی را به‌گونه‌ای تعریف کنیم که هم واحد مطالعه آن را مشخص کنیم و هم مرز آن را از دیگر پدیده‌های کم‌وبیش همانند، جدا سازیم. البته برای رسیدن به این گونه تعریفی، باید نخست مشخص نماییم که منظور ما از «رمز» چیست.

گامپرز (۱۹۴۶) اصطلاح رمزگردانی را برای آن دسته از گردش‌هایی به‌کار برد که دارای کارکرد گفتمانی بودند. اما باگذشت زمان، این اصطلاح برای هرگونه گردش، جدا از کارکردهای آن، به‌کار گرفته شد. در این تعریف‌ها «رمز» به‌معنای «زبان» یا «گونه» است. با این وجود، برخی گفتگوکاوان^۵ همچون آوارز-کاکامو (۱۹۹۸) و میویس و بلوم‌آرت^۶ (۱۹۹۸) بر

1. Poplack, Shana

2. Auer, Peter.

3. Myers-Scotton, Carol

4. Muysken, Pieter

5. conversation analysts

6. Meeuwis Michael and Jan Blommaert

این باورند که باید میان رمزگردانی، که در آن رمز و گردش هر دو دارای معنای نمادین و کارکرد گفتمانی‌اند، با گردش (یا تناوب) زبان یا گونه، که در آن رمز و گردش لزوماً معنای ارتباطی و گفتمانی ندارند، مرز روشنی قائل شویم. میویس و بلوم‌آرت (همان) می‌گویند که رمزها می‌توانند دو زبان جدا نباشند، بلکه می‌توانند گویش‌هایی از یک زبان هم باشند (به نقل از کلین^۱، ۲۰۰۳، ۷۳-۷۰).

گامپرز (۱۹۸۲: ۵۹) رمزگردانی را «هم‌کناری گفتارهای متعلق به دو نظام یا زیرنظام دستوری متفاوت در یک تبادل گفتاری واحد» تعریف کرده است. وی با این تعریف ساختارمدارانه که از رمزگردانی ارائه می‌دهد، تأثیر ژرفی بر پژوهش‌های رمزگردانی پس از خود به جا می‌گذارد و سویه‌های ساختاری رمزگردانی را برجسته می‌نماید. چنین می‌نماید که این تعریف دارای ابهام است، زیرا روشن نیست که چه گفتارهایی را می‌توان از نظر نظام دستوری متفاوت دانست. آیا دو گویش از یک زبان می‌توانند دارای دو نظام دستوری متفاوت باشند یا نه. همچنین در این تعریف، «هم‌کناری گفتارها» مطرح شده که این هم‌کناری در پدیده‌هایی چون وامگیری و زبان‌های آمیخته نیز دیده می‌شود.

آوور (۱۹۹۹) رمزگردانی را مواردی دانسته که در آن هم‌کناری دو رمز (یا زبان)، توسط شرکت‌کنندگان در فرایند ارتباطی یک رویداد، دارای معنای موضعی و موقعیتی تفسیر می‌شود. اما در مواردی که هم‌کناری دو زبان برای شرکت‌کنندگان دارای معنایی فراتر از آن موقعیت باشد و به‌عنوان یک الگوی پرتکرار و رایج تلقی گردد، زبان‌آمیزی^۲ نامیده می‌شود. این تعریفی که آوور ارائه داده بر پایه درک شرکت‌کنندگان در رخداد ارتباطی است، یعنی تعریفی است نه از دید تحلیلگر بلکه از دید زبانور. این چنین تعریفی کاربردی نیست، زیرا تحلیلگر نمی‌تواند ذهن‌خوانی کند و دریابد که شرکت‌کنندگان در فرایند ارتباطی چه درک و برداشتی از هم‌کناری دو رمز دارند. برای پژوهش یک موضوع، بایسته است که نخست اصل وجود موضوع اثبات شود. یعنی، برای نمونه، پژوهشگر باید مطمئن شود پدیده‌ای که رخ داده یک پدیده رمزگردانی است، پس از آن به بررسی‌اش بپردازد.

میرز-اسکاتن (۲۰۰۶: ۲۳۹) کلی‌ترین تعریف رمزگردانی را چنین بیان می‌کند: به‌کارگیری دو گونه زبانی در یک گفتگوی واحد. بولاک و توریویو (۲۰۰۹: ۱) تعریف گسترده رمزگردانی

1. Clyne, Michael
2. language mixing

را «توانایی افراد دو زبانه در گردش میان دو زبان خود بدون هیچ تلاشی» دانسته‌اند و گفته‌اند، گرچه زبان‌شناسان رمزگردانی را یکی از شاخص‌های توانمندی دوزبانه‌ها می‌دانند اما توده مردم آن را نشانه تباهی زبان می‌پندارند. ماهوتیان (۲۰۰۶: ۵۱۰) رمزگردانی را در زمینه نوشتار نیز مورد توجه قرار می‌دهد و آن را «کاربرد سامانمند دو یا چند زبان یا گونه زبانی در یک گفتمان گفتاری یا نوشتاری» تعریف می‌کند.

همان‌گونه که دیده می‌شود، تعریف‌های رمزگردانی بسیار گوناگون است و هر پژوهشگر با توجه به رویکرد خود، داده‌هایی که به دست آورده و یا به ضرورت قلمرو پژوهشی، تعریفی ویژه از این پدیده ارائه داده است. از این رو، رسیدن به تعریفی همه‌سویه و فراگیر دشوار است؛ اما باید به چند نکته توجه داشت: (۱) پیش از تعریف رمزگردانی، باید تعریف رمز روشن شود. (۲) در هر تعریفی که ارائه می‌شود، باید واحد مطالعه رمزگردانی مشخص شود. البته این واحد بستگی به رویکرد اتخاذ شده دارد؛ اگر با رویکرد ساختاری به رمزگردانی نگریسته می‌شود، بهتر است واحد مطالعه «جمله یا بند» تعریف شود و در رویکردهای کارکردی-گفتمانی بهتر است واحد مطالعه «پاره‌گفتار» در نظر گرفته شود. (۳) تعریف باید به گونه‌ای باشد که حتی الامکان مرز میان رمزگردانی را با دیگر پدیده‌ها همچون تداخل یا وامگیری مشخص نماید. برای نمونه، خودآگاهانه بودن یا نبودن، آنی و گذرا یا پایدار بودن، دوزبانه بودن یا نبودن فرد و مانند آن.

اگر رمز را برابر زبان در نظر بگیریم، آنگاه رمزگردانی یکی از گزینه‌های پیش روی دو/چندزبانه‌ها در فرایند گزینش زبان خواهد بود. دومرت^۱ (۲۰۱۱: ۲۷۰) درباره گزینش زبان^۲ (یا زبان‌گزینی) این گونه می‌نویسد: «چندزبانه‌ها اغلب به تناسب موقعیت، توانمندی و تسلط زبانی مخاطب، برای نشان دادن هویت و وابستگی‌های گروهی، نشان‌دادن نقش‌ها و جایگاه‌های اجتماعی و همچنین برای ایجاد همبستگی یا فاصله میان فردی، دست به گزینش زبان می‌زنند». از این رو، رمزگردانی را باید نشانه توانش ارتباطی دو/چندزبانه‌ها و یکی از پیامدهای طبیعی دو/چندزبانگی دانست، نه نشانه‌ای از فرسایش زبان یا ناتوانی ارتباطی. وی (همان: ۲۶۹) سه واقعیت مهم در پیوند با رمزگردانی را این گونه برمی‌شمارد: الف) رمزگردانی یک پدیده فراگیر در میان کودکان، نوجوانان و بزرگسالان چندزبانه است و بستگی به سن

1. Deumert, Ana

2. language choice

ندارد، ب) رمزگردانی می‌تواند درون یک جمله (رمزگردانی درون‌جمله‌ای) و در مرزهای نحوی (رمزگردانی میان‌جمله‌ای) روی دهد و پ) رمزگردانی می‌تواند هم در گفتار، هم در نوشتار غیررسمی و هم در کاربردهای سبکی روی دهد.

۳-۳- به‌سوی تعریفی فراگیر از رمزگردانی

چنین می‌نماید که نخستین گام در دستیابی به‌تعریفی دقیق و جامع از اصطلاح «رمزگردانی»، تعریف و تدقیق اصطلاح «رمز» و توجه ویژه به آن باشد. اگر رمز را برابر «زبان» در نظر بگیریم، آنگاه تعریف رمزگردانی و ویژگی‌های آن متفاوت از حالتی می‌شود که رمز را برابر «هر نظام ارتباطی زبانی» (شامل زبان، گویش، سبک و سیاق) بدانیم. برپایه آنچه درباره رمز، تاریخچه پیدایش و تعریف وارداف (۲۰۰۶) از آن ارائه دادیم، باید پذیرفت که رمز هر نوع نظام ارتباطی را دربرمی‌گیرد. در نتیجه، رمزگردانی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: هر گونه تغییر و گرداندن آگاهانه و عامدانه در نظام ارتباطی (یعنی رمز) برای رسیدن به هدف ارتباطی ویژه. نکته کلیدی در این تعریف، آگاهانه و عامدانه بودن است که رمزگردانی را از پدیده‌هایی همچون تداخل و ترارفت (انتقال) متمایز می‌سازد. تفاوت رمزگردانی و وامگیری که همواره مایه اختلاف دیدگاه بسیاری در میان پژوهشگران بوده است، از همین جا مشخص می‌شود؛ اگر وارد کردن واژه یا واژه‌هایی (یا به‌بیان بهتر، عنصر یا عناصری) از زبان دیگر موجب تغییر نظام ارتباطی (یعنی رمز) در پاره‌گفتار زبان پایه شود، آنگاه رمزگردانی روی داده است؛ اما اگر نظام ارتباطی را دستخوش دگرگونی نکند، وامگیری (پایدار یا آنی) روی داده است. باید توجه داشت که رمزگردانی نیز آگاهانه و عامدانه روی می‌دهد، هرچند با گذشت زمان می‌تواند به هنجار در گفتار فرد یا جامعه تبدیل گردد و به ناخودآگاه برود.

اگر رمز را تنها برابر زبان در نظر بگیریم و آن را شامل گونه‌های زبانی ندانیم، چه لزومی دارد که از اصطلاح «رمزگردانی» استفاده کنیم، درحالی که می‌توانیم به‌سادگی بگوییم «زبان‌گردانی»؟

هنگامی که ما درباره زبان یا گویش سخن می‌گوییم، جدا از سبک و سیاق آن، نظام ارتباطی را برابر ساختار دستوری آن زبان یا گویش در نظر می‌گیریم. از این رو، هرگونه دگرگونی در ساختار دستوری در فرایند ارتباط مصداق رمزگردانی خواهد بود. از این رو، موارد زیر را مصداق رمزگردانی نمی‌دانیم، زیرا با ورود عناصری از یک زبان دیگر، ساختار دستوری دستخوش دگرگونی نشده است:

- همه چیز اوکیه! (OK)
 - ساعت هشت شب تایم (time) خوبی برای پرواز نبود به‌همین خاطر بلیتمو کنسل کردم (cancel).
 - امروز یه پیپر (paper) سابمیت (submit) کردم؛ یکی از پیپرهای (paper) قبلیم اکسپت (accept) شده و یکیش ریجکت (reject) شده.
- در نمونه‌های بالا، با ورود عناصری از زبان انگلیسی در گفتار فارسی، ساختار دستوری دستخوش دگرگونی نشده و همچنان ساختار زبان فارسی را مشاهده می‌کنیم. از این رو، تغییری در نظام ارتباطی (رمز) پدید نیامده و رمزگردانی روی نداده است. این‌ها نمونه‌هایی از وامگیری آنی‌اند.
- از آنجا که سبک و سیاق نیز نظام ارتباطی (یعنی رمز) به‌شمار می‌آیند، هرگاه در یک فرایند ارتباط دستخوش دگرگونی شوند (حتی اگر ساختار دستوری زبان یا گویش تغییر نکند) رمزگردانی روی داده است. گاهی پیش می‌آید که با جابجایی واژه‌ها، سبک سخن تغییر می‌کند. برای نمونه، گاهی به‌کارگیری واژه «شما» به‌جای «تو» در گفتار، می‌تواند سبب تغییر سبک از غیررسمی به رسمی شود. پاره‌گفتار زیر نمونه‌ای از سبک‌گردانی را نشان می‌دهد که در واقع زیرمجموعه رمزگردانی است:
- من به شما عرض کردم که با من تشریف بیارید بیرون. اما نمیدونم تو چت شده که اصلا به حرف آدم گوش نمیدی؟!
- در مجموع می‌توان گفت که با جابجایی واژه‌ها یا ورود عناصری از یک زبان به زبان دیگر، رمزگردانی روی نمی‌دهد، مگر آنکه سبب تغییر ساختار دستوری یا سبک و سیاق گردد.

۳-۳- دو/چندزبانگی

از آنجا که پدیده رمزگردانی معمولاً یکی از فراورده‌های دوزبانگی^۱ یا چندزبانگی^۲ دانسته می‌شود، لازم است تعریفی از دو/چندزبانگی داشته باشیم، هرچند رسیدن به تعریف واحد دشوار است. برخی آن را برخورداری از توانایی بومی‌وار در به‌کارگیری دو زبان دانسته‌اند

1. bilingualism

2. multilingualism

(مانند بلومفیلد^۱، ۱۹۳۳) و برخی دیگر توانایی افراد در تولید پاره‌گفت‌های کاملاً معنادار به هر دو زبان دانسته‌اند (مانند هاگن، ۱۹۵۳؛ میرز-اسکاتن، ۲۰۰۲). دومرت (۲۰۱۱: ۲۶۱) چندزبانگی را به‌کارگیری بیش از یک زبان توسط افراد ویا در درون جامعه‌ها و کشورها می‌داند و از این رو، می‌توان سخن از چندزبانگی فرد^۲ یا چندزبانگی جامعه^۳ گفت. گرچه معمولاً رمزگردانی را فراورده^۴ دوزبانگی می‌دانند، اما باید دانست که رمزگردانی تنها محدود به دوزبانها نمی‌شود، بلکه پدیده‌ای است که درباره^۵ چندزبانگی و بس‌زبانگی^۶ نیز دیده می‌شود. برای نمونه، در جمله^۷ زیر رمزگردانی چهارزبانه دیده می‌شود (گاردنر کلروس^۸، ۲۰۰۹: ۱۶):

I have canné todo

“failed everything”

نهاد ضمیری و فعل کمکی از انگلیسی (I have)، ستاک فعل اصلی از ایتالیایی (cannare)، پایانه فعلی از فرانسوی (-é تکواژ زمان گذشته) و مفعول مستقیم ضمیری از اسپانیایی (todo). ناگفته پیداست تنها در صورتی می‌توان رمزگردانی را فراورده^۴ دو/چندزبانگی دانست که رمز را معادل زبان در نظر بگیریم؛ وگرنه اگر گویش، سبک و سیاق را نیز در تعریف رمز بگنجانیم، آنگاه تک‌زبانها نیز می‌توانند رمزگردانی کنند و سبک‌گردانی نیز زیرمجموعه^۹ رمزگردانی قرار می‌گیرد.

۳-۴- رابطه رمزگردانی با دیگر پدیده‌های زبانی

رمزگردانی یکی از پدیده‌های حاصل از فرایند برخورد زبان‌هاست، اما تنها فراورده^۴ آن نیست. پدیده‌های دیگری همچون وامگیری، رمزآمیزی، تداخل، انتقال و زبان آمیخته نیز پیوند تنگاتنگی با برخورد زبان‌ها دارند و از این رو، گاهی مرز میان رمزگردانی با این پدیده‌ها بسیار تیره می‌نماید. در بخش حاضر می‌کوشیم همگونی‌ها و ناهمگونی‌های میان رمزگردانی با دیگر پدیده‌های زبانی پیش‌گفته را بررسی کنیم.

1. Bloomfield, Leonard
2. Individual multilingualism
3. Societal multilingualism
4. plurilingualism
5. Gardner-Chloros, Penelope

۳-۴-۱- رمزگردانی و دو/چندزبانگی

بیشتر گفتیم که دو/چندزبانگی می‌تواند در سطح فرد یا جامعه باشد. رمزگردانی می‌تواند فراورده دو/چندزبانگی باشد اما نه دو/چندزبانگی جامعه. چون فرایند ارتباط را افراد انجام می‌دهند و فرد است که می‌تواند تصمیم به رمزگردانی بگیرد یا نگیرد، پس رمزگردانی را باید یکی از فراورده‌های بالقوه دو/چندزبانگی فردی دانست اما منحصر به آن نیست؛ زیرا از آنجا که رمز افزون بر زبان، به گونه‌های زبانی چون گویش، سبک و سیاق نیز گفته می‌شود، پس افراد تک‌زبان نیز می‌توانند رمزگردانی کنند. از این رو، گردش میان گویش‌ها، سبک‌ها و سیاق‌ها نیز مصداق رمزگردانی خواهند بود و سبک‌گردانی زیرمجموعه رمزگردانی قرار می‌گیرد.

۳-۴-۲- رمزگردانی و وامگیری

در بیشتر پژوهش‌های رمزگردانی، همواره پای پدیده وامگیری نیز به میان آمده است و پژوهشگران به بحث بر سر رویارویی این دو، نیز همگونی‌ها و ناهمگونی‌های میان این دو پرداخته‌اند. به طور کلی، دو رویکرد در این زمینه پیش روست، یکی می‌کوشد مرز میان این دو پدیده را به روشنی بازشناسد و آن‌ها را یکسره از هم جدا نماید، اما رویکرد دیگر پیوستارنگر است و هر دو را بر روی یک پیوستار قرار می‌دهد.

یکی از سرسخت‌ترین طرفداران رویکرد نخست، پاپلک است. مهم‌ترین معیارهایی که وی (برای نمونه، ۱۹۸۰، ۱۹۸۷) برای تمایز میان رمزگردانی و وامگیری پیشنهاد داده است، یکی بسامد کاربرد و دیگری آمیختگی واجی، ساختواژی و نحوی عنصر واردشده با زبان پایه (زبان گیرنده) است. جدول زیر این تمایز را به خوبی نشان می‌دهد.

جدول (۱). تمایز رمزگردانی بر پایه گونه آمیختگی با زبان پایه (پاپلک، ۱۹۸۰)

رمزگردانی؟	آمیختگی با زبان پایه			نوع
	نحوی	ساختواژی	واجی	
نیست	✓	✓	✓	۱
هست	✓	×	×	۲
هست	×	×	✓	۳
هست	×	×	×	۴

البته بعدها معیار آمیختگی واجی کنار گذاشته شد و به جای آن اصطلاح وامگیری آنی^۱ را به کار بردند که در میانه رمزگردانی و وامگیری قرار می‌گیرد. وامگیری آنی دارای آمیختگی ساختوازی و نحوی با زبان پایه است، اما چون بسامد کاربرد و پذیرفتگی عام ندارد، متفاوت از رمزگردانی است (بُرتپ^۲، ۲۰۰۳).

مویسکن (۲۰۱۱: ۳۰۳-۳۰۲) چهار معیار برای تمایز رمزگردانی از وامگیری ارائه داده است که البته این معیارها بیشتر برای مواردی است که عنصر واردشده از زبان دیگر، یک واژه باشد:

۱- سازگاری با زبان پایه یا قالب^۳. در رمزگردانی عناصر واردشده، وندها و واژه‌بست‌های زبان پایه را می‌گیرند.

۲- درجه دوزبانگی در جامعه گفتاری. برای به‌کارگیری وام‌واژه‌ها نیازی نیست که گوینده دوزبانه باشد، اما در رمزگردانی گوینده باید دوزبانه باشد.

۳- اندازه مواد زبانی گرفته‌شده از زبان دیگر. اگر عناصر واردشده تنها محدود به تک‌واژه‌ها باشد، آنگاه احتمال وامگیری بیشتر است و اگر سازه‌های بزرگ‌تر از واژه باشد، احتمال رمزگردانی بیشتر می‌شود.

۴- بیان مفهوم تازه یا جانشینی برای واژه موجود. اگر واژه واردشده مفهوم تازه‌ای دربرداشته باشد، احتمال وامگیری بیشتر است. اما اگر جانشینی برای واژه‌های موجود در زبان پایه باشد، نشانه رمزگردانی است.

همچنین در وامگیری نیازی نیست که گوینده به زبان وام‌دهنده تسلط داشته باشد، اما رمزگردانی نیازمند تسلط بر هر دو زبان است. به‌سخن دیگر، وامگیری را افراد تک‌زبانه نیز می‌توانند انجام دهند، اما توانایی رمزگردانی را تنها افراد دو/چندزبانه دارند.

گراسجین^۴ (۱۹۸۲) به وجود دو نوع وامگیری قائل است: وامگیری گفتاری یا آنی که در سطح فردی رخ می‌هد و وامگیری زبانی یا جافتاده^۵ که در سطح جامعه رخ می‌دهد. اما مویسکن (۲۰۱۱) تمایز میان دو نوع وامگیری تاریخی و وامگیری دوزبانه را سودمند می‌داند و

1. nonce borrowings
2. Boztepe, Erman
3. Base/ matrix language
4. Grosjean, François
5. established

ویژگی‌های این دو نوع وامگیری به همراه رمزگردانی و زبان آمیخته را در جدولی مانند جدول زیر با هم مقایسه می‌کند:

جدول (۲). برخی ویژگی‌های تمایزدهنده انواع آمیختگی زبان (مویسکن، ۲۰۱۱: ۳۰۳)

گذر زمان	سازگاری با زبان پایه	دوزبانگی	بیش از یک واژه	تغییرپذیری
+	+	+	-	+
-	+	+	+	+
-	+	+	+	+
+	+	-	+	-

از جدول بالا می‌توان دریافت که: (۱) پیدایش زبان آمیخته نیازمند گذشت زمان است، (۲) رمزگردانی نیازمند توانش دوزبانه است، اما زبان آمیخته نه، (۳) در رمزگردانی، گوینده می‌تواند همه جمله را به زبان پایه بگوید، اما در زبان آمیخته، گوینده نمی‌تواند همه جمله را به یکی از دو زبان بیان کند. نکته مهم درباره ارتباط رمزگردانی و زبان آمیخته این است؛ همان‌گونه که کسان‌ی همچون آوور (۱۹۹۹)، میبرز-اسکاتن (۲۰۰۲)، باکوس^۱ (۲۰۰۳) و میکینز^۲ (۲۰۱۳) گفته‌اند، رمزگردانی می‌تواند به پیدایش زبان آمیخته بینجامد. آوور (۱۹۹۹) گذار از رمزگردانی به زبان آمیخته را در سه مرحله می‌داند: رمزگردانی < زبان آمیزی > زبان آمیخته. وی این الگو را فسیل‌شدگی رمزگردانی می‌نامد. میبرز-اسکاتن (۲۰۰۲، ۲۰۰۳) نیز یک الگوی سه‌مرحله‌ای پیشنهاد می‌کند: رمزگردانی در نهستی < رمزگردانی آمیزشی^۳ (همگرایی^۴) < زبان آمیخته، که این فرایند را فرضیه فراگشت زبان پایه^۵ می‌نامد. البته باکر^۶ (۲۰۰۳: ۱۲۹) این دیدگاه را نمی‌پذیرد. او بر این باور است که رمزگردانی هیچ نقشی در شکل‌گیری زبان آمیخته ندارد.

1. Backus, Ad.
2. Meakins, Felicity
3. composite code-switching
4. convergence
5. Matrix Language Turnover hypothesis
6. Bakker, Peter

میرز-اسکاتن (۱۹۹۳b: ۱۶۳) وامگیری را از نظر معنایی بر دو نوع می‌داند: وامواژه‌های فرهنگی^۱ واژه‌هایی‌اند که مفهومی تازه‌ای را به فرهنگ زبان پایه (یا زبان گیرنده) وارد می‌کنند و این واژه‌ها به سرعت توسط تک‌زبان‌ها پذیرفته می‌شوند، زیرا جایگزین واژه دیگری در زبان گیرنده نشده‌اند. وامواژه‌های هسته‌ای^۲ واژه‌هایی‌اند که در زبان گیرنده برای آن‌ها معادل وجود دارد و از این رو، به‌کارگیری این وامواژه‌ها نیازمند دوزبانگی و رمزگردانی (دست‌کم در آغاز فرایند) است. از این رو، پیوند میان رمزگردانی و وامگیری وابسته به موضوع زمان است. به‌باور ماتراس^۳ (۲۰۰۹: ۱۱۰)، از آنجا که دگرگونی‌های زبانی ناشی از برخورد زبانی، هنگامی آغاز می‌شوند که سخن‌گویان یک زبان عناصری از زبان دیگر را به‌کار می‌گیرند و این زبانوران یا دوزبان‌اند یا تا اندازه‌ای در معرض زبان دیگر قرار گرفته‌اند، چنین می‌نماید که می‌توان یک پیوستار را در نظر گرفت. ابعاد گوناگون این پیوستار را می‌توان در جدول زیر دید.

جدول (۳). ابعاد پیوستار رمزگردانی - وامگیری (ماتراس، ۲۰۰۹: ۱۱۱)

دوزبانگی	گوینده دوزبانه ↔ گوینده تک‌زبانه
ترکیب	پاره‌گفتار / عبارت ↔ تک‌واژه
کارکردمندی ^۴	تاثیر ویژه در گفتگو، گزینش سبکی ↔ بیان پیش‌فرض
مرجع یکتا (مشخص‌بودگی)	واژگانی ↔ پیراواژگانی
عمل‌مندی ^۵	واژگان هسته‌ای ↔ عمل‌های دستوری
تکرارپذیری	رخداد یکباره ↔ رخداد مکرر
آمیختگی ساختاری	نیامیخته ↔ آمیخته
	رمزگردانی ↔ وامگیری

1. cultural loans
2. core forms
3. Matras, Yaron
4. Functionality
5. Operability

۳-۴-۳- رمزآمیزی (زبان‌آمیزی)

رمزآمیزی یکی از دیگر از پدیده‌های زبانی است که بر سر تعریف آن و نیز مرز آن با رمزگردانی اختلاف نظرها فراوان است. برخی پژوهشگران همچون مویسکن (۲۰۰۰) رمزآمیزی را به‌عنوان یک اصطلاح پوششی به‌کار برده‌اند که رمزگردانی را نیز دربرمی‌گیرد. وی (همان: ۱) برای اشاره به «همهٔ مواردی که در آنها واحدهای واژگانی و ویژگی‌های دستوری دو زبان با هم در یک جمله پدیدار می‌شوند» اصطلاح رمزآمیزی را به‌کار برده است. اگر در رمزگردانی شناسایی زبان برتر (زبان پایه) دشوار باشد آن را رمزآمیزی گویند (براون و میلر^۱، ۲۰۱۳: ۸۳). پس رمزآمیزی زیرمجموعهٔ رمزگردانی است. کریستال (۲۰۰۸: ۸۳) رمزآمیزی را انتقال عناصر یک زبان به زبان دیگر دانسته، به‌گونه‌ای که جمله با یک زبان آغاز شده، سپس واژه‌ها یا ویژگی‌های دستوری زبان دیگر در آن وارد می‌شود.

آوور (۱۹۹۸) میان رمزگردانی، که در آن میان زبان‌ها تناوب صورت می‌گیرد، یا یک زبان بر دیگری ترجیح داده می‌شود، با رمزآمیزی، که این‌چنین تناوب یا ترجیحی در آن دیده نمی‌شود، تمایز می‌گذارد. از دیگر تفاوت‌های میان رمزگردانی و رمزآمیزی این است که در رمزگردانی، مرز میان دو رمز تا اندازهٔ زیادی روشن است و می‌توان آن‌ها را از هم بازشناخت، اما در رمزآمیزی مرز میان آن دو روشن نیست. شباهت این دو پدیده در این است که هر دو نیازمند توانش دوزبانه‌اند (مستری^۲، ۲۰۰۲: ۴۴۳).

۳-۴-۴- سبک‌گردانی^۳

تک‌زبانه‌ها هم می‌توانند میان سبک‌ها، گویش‌ها و گویه‌های گوناگون گردش کنند و از گنجینهٔ زبانی خود بیشترین بهره‌برداری را بکنند. به‌گفتهٔ مویسکن (۲۰۱۱: ۳۱۲) رمزگردانی را می‌توان همانند سبک‌گردانی دوزبانه‌ها دانست، یعنی تلاش سخنگویان برای بهره‌گیری از همهٔ توانایی‌های دوزبانهٔ خویش در گفتگو با هم‌تایان دوزبانه. مواردی از رمزگردانی وجود دارد که زبان‌های دخیل در آن از نظر واژگان یا دستور، همانندی و ارتباط بسیاری با هم دارند و از این‌رو نمی‌توان گفت که ساختار نحوی جملهٔ رمزگردانی شده از کدام یک از دو زبان است.

1. Brown, Keith & Jim Miller

2. Mesthrie, Rajend

3. style-shifting

4. register

این نوع رمزگردانی تا اندازه زیادی شبیه سبک‌گردانی در گفتار تک‌زبان‌هاست (ترفرز-دالر^۱، ۲۰۰۹: ۶۷).

۳-۴-۵- تداخل^۲

تداخل، کاربرد ناآگاهانه الگوها یا عناصر یک زبان در زبان دیگر است که به سبب همانندی‌های موجود میان عناصری از دو زبان پدید می‌آید. اگرچه در سطح واژگان نیز روی می‌دهد، اما رخداد آن در سطح ساختار واجی، ساختواری و نحوی زبان بیشتر است (مدرسی، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۱). تداخل زبانی هم می‌تواند ناخودآگاهانه و خودبه‌خودی باشد و هم آگاهانه. پارادیس^۳ (۱۹۹۳) و گراسجین (۲۰۰۱) میان تداخل پویا^۴ و تداخل ایستا^۵ تمایز گذاشته‌اند. تداخل پویا همان لغزش‌ها و خطاهایی است که در حین تولید گفتار روی می‌دهد و عناصری از یک زبان به‌طور ناخواسته و ندانسته وارد زنجیره زبان دیگر می‌شود. تداخل ایستا هنگامی است که عناصری از زبان دیگر وارد دستور زبان پنهان فرد شده و در آنجا جایگیر شود.

۳-۴-۶- ترارفت (یا انتقال)^۶

پژوهشگران گستره فراگیری زبان دوم (SLA) اصطلاح انتقال را به‌جای تداخل (که بیشتر مورد استفاده روانشناسان زبان است) به‌کار می‌برند. از تفاوت‌های میان انتقال و رمزگردانی این است که زبانوران می‌توانند تصمیم بگیرند کجا رمزگردانی کنند و کجا نکنند، اما انتقال را نمی‌توان کنترل کرد. کلین (۲۰۰۳) اصطلاح ترارفت را به‌عنوان یک اصطلاح پوششی برای بسیاری از پدیده‌های ناشی از برخورد زبانی به‌کار برده که برخی از موارد رمزگردانی را نیز دربرمی‌گیرد. وی ترارفت و تراروی را از هم تمایز داده به‌گونه‌ای که ترارفت را پدیده‌ای دانسته که فرآورده فرایند تراروی^۷ است. دیدگاه کلین (۲۰۰۳) و دسته‌بندی‌های او، در

1. Treffers-Daller, Jeanine
2. interference
3. Paradis, Michel
4. dynamic interference
5. static interference
6. transfer
7. transference

مقاله‌های بعدی حاصل همین پروژه رمزگردانی (در بخش رویکردهای ساختاری به رمزگردانی) به تفصیل بررسی خواهد گردید.

۳-۴-۷- رمزگردانی و همگرایی

کلین (۲۰۰۳: ۷۹) همگرایی را «شبه‌ترکردن زبان‌ها به یکدیگر» می‌داند که می‌تواند در سطح آوایی، واژ-واجی، نوایی و نحوی روی دهد. به‌گفته ترفرز-دالر (۲۰۰۹: ۶۹)، فاف^۱ (۱۹۷۹) شاید نخستین کسی باشد که به رابطه میان رمزگردانی و همگرایی پرداخته است و بر این باور است که رمزگردانی می‌تواند به همگرایی بینجامد. کلین (۱۹۸۷) نیز پیوند میان رمزگردانی و همگرایی را مورد توجه قرار داده و می‌گوید در برخی موارد رمزگردانی با همگرایی نحوی همراه می‌شود، به‌گونه‌ای که «وقوع همگرایی نحوی در پیرامون محل گردش‌ها به‌خاطر آسان‌سازی انجام رمزگردانی است» (همان: ۷۵۳). سببا^۳ (۲۰۰۹: ۵۷) نیز، همچون فاف (۱۹۷۹)، بر این باور است که رمزگردانی می‌تواند رفته‌رفته به پیدایش هنجارهای زبانی جدید و همگرایی زبان‌ها بینجامد.

۳-۴-۸- زبان آمیخته

به‌باور دومرت (۲۰۱۱: ۲۶۹)، در برخی جوامع چندزبانه رمزگردانی‌های پیاپی و پربسامد می‌تواند به پیدایش یک گونه زبان آمیخته نسبتاً پایدار بینجامد، مانند Spanglish که در آمریکا بدان سخن گفته می‌شود، یا Taglish که آمیخته‌ای از زبان‌های تاگالوگ و انگلیسی است و در فیلیپین به‌کار می‌رود. آوور (۱۹۹۹) نیز بر این باور است که از دیدگاه گفتگوکاوانه، زبان‌های آمیخته یا گونه‌های مختلط^۴ می‌توانند در نتیجه رمزگردانی‌های پیاپی و قابل‌پیش‌بینی که معناداری گفتمانی آن‌ها کاهش می‌یابد، پدید آیند.

-
1. Pfaff, Carol W.
 2. mixed language
 3. Sebba, Mark
 4. fused lects

۳-۴-۹- گردش زبان^۱

همان‌گونه که تک‌زبان‌ها در موقعیت‌های گوناگون، سبک‌های گوناگون متناسب با آن موقعیت‌ها را به کار می‌برند (سبک‌گردانی)، دوزبان‌ها نیز می‌توانند در برخی از بافت‌ها یا دامنه‌ها^۲ (مانند خانه، جمع دوستان) یک زبان را به کار گیرند و در برخی دامنه‌های دیگر (مانند مدرسه، محل کار) زبان دیگر را. این رفتار دوزبان‌ها را گردش زبان می‌نامند (بولاک و توریپو ۲۰۰۹: ۲).

مک‌کلور^۳ (۱۹۷۷) اصطلاح رمزگردانی را به‌گونه‌ای به کار می‌برد که رمزگردی^۴ و رمزآمیزی را پوشش می‌دهد. به‌باور وی، رمزگردی تناوب از یک زبان به زبان دیگر در سطح سازه‌های عمده (مانند گروه اسمی، گروه فعلی، جمله) است و به‌ویژه یک گردش کامل به زبان دیگر را در بردارد. درحالی‌که رمزآمیزی در درون سازه‌ها روی می‌دهد.

۴- فواید مطالعه رمزگردانی

مطالعه رمزگردانی چه از دید گفتگوکاوی، چه روان‌شناسی زبان و چه ساختاری و دستوری دارای مزایا و دستاوردهای ارزشمندی است. گفتگوکاوان با بررسی انواع شیوه‌های رمزگردانی در فرایند گفتگو، می‌توانند راهبردهای گوناگون گفتگو را بشناسند. روان‌شناسان زبان با بررسی این پدیده می‌توانند به مطالعه چگونگی ذخیره‌سازی رمزهای گوناگون در مغز، تفکیک آن‌ها از یکدیگر و گزینش آن‌ها برای به‌کارگیری در موقعیت‌های خاص پردازند. نحو‌شناسان با بررسی رمزگردانی و به‌ویژه رمزگردانی درون‌جمله‌ای که قواعد دستوری دو زبان با هم متفاوتند و چگونگی آمیزش و اندرکنش این قواعد با یکدیگر می‌توانند به یافته‌های تازه‌ای در باره دستور زبان برسند (مک‌کرمیک^۵، ۲۰۰۱: ۴۴۷).

گاردنر کُلروس (۲۰۰۹: ۵-۴) نیز سه فایده مطالعه رمزگردانی را این‌گونه برمی‌شمارد:

۱- مطالعه چرایی و چگونگی رمزگردانی ما را در درک بهتر سوبه‌های گوناگون زبان و گفتار کمک می‌کند.

1. language shifting
2. domain
3. McClure, Erica
4. code-changing
5. McCormick, K. M.

- ۲- مطالعه رمزگردانی در شناخت بهتر شیوه درک و تولید زبان یاریگر است.
- ۳- با مطالعه رمزگردانی می‌توان دریافت که سازه‌های زبان‌های گوناگون را کجاها می‌توان به‌سادگی با هم درآمیخت و کجا این کار دشوار یا حتی ناشدنی است و در نتیجه می‌توان به فهم بهتری از دستور زبان رسید. دستورشناسان با بررسی رمزگردانی می‌کوشند دریابند که آیا قواعد دستوری دو زبان برای تبیین الگوهای رمزگردانی میان این دو زبان کافی است یا اینکه رمزهای آمیخته دارای قواعد دستوری فراتر از قواعد آن دو زبانند.

۵- انگیزه‌ها و دلایل رمزگردانی

انگیزه رمزگردانی یعنی اینکه چرا یک گوینده در یک موقعیت خاص تصمیم به‌گزینش یک رمز می‌گیرد و آن را بر رمزهای دیگر (که توانایی به‌کارگیری آن‌ها را دارد) ترجیح می‌دهد. در پاسخ به این پرسش، مواردی همچون همبستگی، همسویی با شنونده، گزینش موضوع، و فاصله اجتماعی و فرهنگی پیشنهاد شده است. البته این انگیزه‌ها می‌توانند ناخودآگاهانه بر تصمیم گوینده اثر بگذارند، به‌گونه‌ای که گوینده خود آگاه نباشد که رمز ویژه‌ای را بر دیگری ترجیح داده یا حتی رمزگردانی کرده است (وارداف، ۲۰۰۶: ۱۰۴).

معمولا در تشریح انگیزه‌های افراد از انجام رمزگردانی، تنها به بیان برخی از کارکردهای رمزگردانی اکتفا می‌شود. برای نمونه، اپل و مویسکن (۱۹۸۷ [۲۰۰۵]) پنج نمونه از این کارکردها را برشمرده‌اند:

الف- رمزگردانی می‌تواند برای جبران ضعف دانش زبانی گوینده به‌کار رود که آن را کارکرد ارجاعی^۱ می‌گویند.

ب- می‌تواند مخاطب خاصی را وارد جریان گفتگو کند یا خارج کند که آن را کارکرد سوگیری^۲ گویند.

ج- می‌تواند نشانه هویت چندگانه گوینده باشد که آن را کارکرد بیانی^۳ گویند.

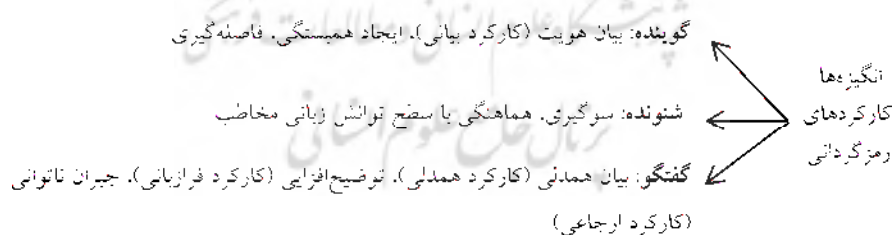
د- می‌تواند برای تغییر حال و هوای گفتگو به‌کار رود که آن را کارکرد همدلی^۴ گویند.

1. referential
2. directive
3. expressive
4. phatic

ه- می‌تواند برای افزودن توضیح به گفته‌های پیشین، به‌کار رود که آن را کارکرد فرازبانی^۱ گویند.

بولاک و توریپو (۲۰۰۹: ۲) نیز پرکردن خلأهای زبانی، بیان هویت قومی و دستیابی به هدف‌های گفتمانی ویژه را از جمله دلایل رمزگردانی دانسته است. البته برخی دوزبانه‌ها نیز هستند که در خانواده‌ها و جوامع دوزبانه‌ای متولد شده‌اند که رمزگردانی در آنجا یک هنجار زبانی است، به‌گونه‌ای که این افراد هرگز تک‌زبانگی را تجربه نکرده‌اند. برای این افراد، رمزگردانی یک شیوه عادی و بهنجار سخن گفتن است و سخن گفتن به یک زبان برای آن‌ها بسیار دشوار یا حتی ناشدنی است. برای برخی دیگر، رمزگردانی مهارتی آموختنی است، که از این مهارت تنها در بافت‌های ویژه و به‌دلایل ویژه و در رویارویی با مخاطبان ویژه‌ای بهره می‌گیرند. افرادی هم هستند که در ارتباطات روزمره خود از هر دو شیوه دوزبانگی و تک‌زبانگی بهره می‌جویند. دوزبانه‌هایی که به‌طور پیوسته و پربسامد رمزگردانی می‌کنند را رمزگردان‌های همیشگی^۲ می‌نامند. این افراد اغلب صورت‌های بسیار خلاقانه‌ای از رمزگردانی را بدون تلاش تولید می‌کنند و به‌کار می‌برند و نسبت به رمزگردان‌های گهگاهی^۳ عملکرد نوآورانه‌تر و کارایی بیشتری را از خود نشان می‌دهند (خارخوریان و وی، ۲۰۱۴).

ما بر این دیدگاهیم که انگیزه‌ها یا کارکردهای رمزگردانی را می‌توان معطوف به سه مؤلفه اصلی در فرایند ارتباط دانست و بر این پایه آن‌ها را دسته‌بندی نمود؛ این سه مؤلفه عبارتند از: گوینده، شنونده و گفتگو. نمودار زیر دسته‌بندی انگیزه‌ها/کارکردهای رمزگردانی را بر پایه این سه مؤلفه نشان می‌دهد.



1. metalinguistic
2. habitual code-switchers (HCS)
3. non-habitual code-switchers (NHCS)
4. Kharkhurin, Anatoliy V. and Li Wei

۶- نتیجه‌گیری

در این مقاله که بخشی از یک طرح پژوهشی گسترده‌تر بر روی رمزگردانی و رویکردهای گوناگون در مطالعه آن است، به موضوعاتی همچون تعریف‌های گوناگون رمزگردانی، پیشینه مطالعاتی آن، ارتباط آن با دیگر پدیده‌های حاصل از برخورد زبانی همچون دو/چندزبانگی، وامگیری، رمزآمیزی، تداخل، زبان آمیخته و همچنین چرایی مطالعه رمزگردانی و برخی از کارکردهای آن پرداخته شد. در پایان باید گفت که به‌رغم پژوهش‌های بسیاری که پیرامون موضوع رمزگردانی و پیوند آن با دیگر پدیده‌های حاصل از برخورد زبانی و با رویکردهای گوناگون انجام گرفته است، هنوز تعریف فراگیر و روشنی برای این پدیده به‌دست نیامده و مرز آن با دیگر پدیده‌های مرتبط به‌خوبی شناخته نشده است. ما در این پژوهش کوشیدیم که تعریفی نو از رمزگردانی ارائه دهیم و همگونی‌ها و ناهمگونی‌های آن با دیگر پدیده‌های مرتبط را واکاوی نماییم. همچنین دسته‌بندی تازه‌ای از انگیزه‌ها/کارکردهای رمزگردانی پیشنهاد دادیم. با این همه، پدیده رمزگردانی به‌سبب گستردگی و گوناگونی آن در رخدادهای ارتباطی همچنان پذیرای پژوهش‌های بیشتر است و گمان می‌رود که نایافته‌ها و ناگفته‌های بسیاری در این قلمرو باقی مانده باشد.

در بخش‌های آتی این طرح پژوهشی، سه رویکرد اصلی در بررسی رمزگردانی یعنی رویکرد ساختاری، رویکرد زبان‌شناختی اجتماعی و رویکرد روان‌شناختی زبان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۷- منابع

- احمدی، شاهو (۱۳۹۲). بررسی پدیده رمزگردانی در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی در محیط‌های دوزبانه: مطالعه موردی شهر سنندج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه ایلام.
- عموزاده، محمد و رحمان ویسی حصار (۱۳۹۳). «رمزگردانی و رمزآمیختگی (مطالعه موردی کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی در شهرستان بوکان)». زبان‌پژوهی، شماره ۱۲، صص ۹۹-۱۲۵.
- حیدری، عبدالحسین، مهدی سمائی، لطیف عطاری و افسر روحی (۱۳۹۲). «دلایل رمزگردانی زبانی معلمان در کلاس‌های ابتدایی مناطق دوزبانه ترکی آذری فارسی». نوآوری‌های آموزشی، شماره ۴۷، صص ۱۱۰-۱۲۴.

ضیاء حسینی، سیدمحمد (۱۳۷۸). «رمزگردانی: نشانه برجسته‌سازی در دوزبانگی». نامه فرهنگ، شماره ۳۴، صص ۷۸-۸۳.

مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: انتشارات پژوهشگاه و علوم انسانی.

Alvarez-Cáccamo, Celso. (1998). "From 'Switching Code' To 'Code-Switching'". In P. Auer (ed.), *Code-Switching in Conversation: Language, interaction and identity* (pp.29-48). London/New York: Routledge.

Appel, René and Pieter Muysken. (1987/2005). *language contact and bilingualism*. Amsterdam: Amsterdam Academic Archive.

Auer, Peter. (1984). *Bilingual Conversation*. Amsterdam: John Benjamins.

----- (1998). "Bilingual Conversation". In P. Auer (ed.), *Code-Switching in Conversation: Language, interaction and identity* (pp.1-24). London/New York: Routledge.

----- (1999). "From codeswitching via language mixing to fused lects: Toward a dynamic typology of bilingual speech". *International Journal of Bilingualism*, 3 (4): 309-332.

Backus, Ad. (2003). "Units in code switching: Evidence for multimorphemic elements in the lexicon". *Linguistics*, 41 (1): 83-132.

Bakker, Peter. (2003). "Mixed languages as autonomous systems". In Y. Matras and P. Bakker (eds.), *The Mixed Language Debate: Theoretical and Empirical Advances* (pp. 107-50). Berlin: Mouton de Gruyter.

Bani-Shoraka, Helena (2005). *Language Choice and Code-switching in the Azerbaijani Community in Tehran: A Conversation Analytic Approach to Bilingual Practices*. Uppsala: Acta Universitatis Upsaliensis.

Bloomfield, Leonard. (1933). *Language*. New York: Holt.

Boztepe, Erman. (2003). "Issues in code-switching: competing theories and models". *Working Papers in TESOL & Applied Linguistics*, 3 (2): 1-27.

Brown, Keith & Jim Miller. (2013). *The Cambridge Dictionary of Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.

Bullock, Barbara E. & Almeida Jacqueline Toribio. (eds.) (2009). *The Cambridge Handbook of Linguistic Code-switching*. Cambridge: Cambridge University Press.

Clyne, Michael. (1987). "Constraints on code switching: How universal are they?". *Linguistics*, 25 (4): 739-764.

----- (2003). *Dynamics of Language Contact*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Crystal, David. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. MA, Oxford: Blackwell Publishing.
- Deumert, Ana. (2011). "Multilingualism". In R. Mesthrie (ed.), *The Cambridge Handbook of Sociolinguistics* (pp. 261-282). Cambridge: Cambridge University Press.
- Diebold, A. Richard. (1961). 'Incipient bilingualism', *Language* 37: 97-112.
- Fano, R.M. (1950). 'The information theory point of view in speech communication', *Journal of the Acoustical Society of America*, 22, 6: 691-696.
- Fries, Charles C., and Kenneth L. Pike. (1949). 'Coexisting phonemic systems', *Language*, 25, 1: 29-50.
- Gardner-Chloros, Penelope. (2009). *Code-switching*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Grosjean, François. (1982). *Life with two languages*. Cambridge, MA: Cambridge University Press.
- (2001). "The bilingual's language modes". In J. L. Nicol (ed.), *One mind, two languages: Bilingual language processing* (pp. 1-22). Oxford/MA: Blackwell.
- Gumperz, John J. (1958). 'Dialect differences and social stratification in a North Indian village', *American Anthropologist* 60 : 668-681.
- (1961). 'Speech variation and the study of Indian civilization', *American Anthropologist* 63 : 976-988.
- (1964). "Hindi-Punjabi code-switching in Delhi". *Proceedings of the 9th International Congress of Linguists*. Cambridge, MA, The Hague: Mouton, pp. 115-24.
- (1982). *Discourse Strategies*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gumperz, John J., and C.M. Naim (1960). 'Formal and informal standards in Hindi regional language area', in Charles A. Ferguson and John J. Gumperz (eds.) *Linguistic Diversity in South Asia*, 92-118 (*International Journal of American Linguistics*, 26, 3, Part 3).
- Haugen, Einar. (1953). *The Norwegian Language in America: A Study in Bilingual Behaviour*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- (1956). *Bilingualism in the Americas: A Bibliography and Research Guide*, Alabama: University of Alabama Press / American Dialect Society.
- Hoijer, Harry. (1948). 'Linguistic and cultural change', *Language*, 24, 4: 335-345.

- Jafari, Zohre. (2011). *The Facilitative and Debilitative Role of Code-switching: Types, Functions and Gender Preferences among Iranian EFL Teachers and Language Learners*. M.A. Thesis, University of Kashan.
- Jakobson, Roman. (1961). 'Linguistics and communication theory', in Roman Jakobson (ed.) *On the Structure of Language and Its Mathematical Aspects: Proceedings of the XIIth Symposium of Applied Mathematics* (New York, 14–15 April 1960), Providence, R.I.: American Mathematical Society, 245–252.
- Jakobson, Roman, Gunnar, M. Fant and Morris Halle. (1952). *Preliminaries to Speech Analysis: The Distinctive Features and their Correlates*, Cambridge, Mass.: The MIT Press. Reprinted in *Selected Writings [of Roman Jakobson]. Major Works, 1976–1980*, Vol. 8, Berlin/New York/Amsterdam: Mouton de Gruyter, 583–646. (Page references in the text are to the reprinted edition.)
- Kharkhurin, Anatoliy V. and Li Wei. (2014). "The role of code-switching in bilingual creativity". *International Journal of Bilingual Education and Bilingualism*, <http://dx.doi.org/10.1080/13670050.2014.884211>.
- Mahootian, Shahrzad. (2006). "Code Switching and Mixing". In K. Brown (ed.), *Encyclopedia of Language and Linguistics*, Vol. 2 (pp. 511-527). Oxford: Elsevier
- Matras, Yaron. (2009). *Language Contact*. Cambridge: Cambridge University Press.
- McClure, Erica. (1977). "Aspects of code-switching in the discourse of bilingual Mexican-American children". In M. Saville-Troike (ed.), *Linguistics and anthropology* (pp. 93–115). Washington, D.C.: Georgetown University Press.
- McCormick, K. M. (2001). "Code-switching: Overview". In R. Mesthrie (ed.), *Concise Encyclopedia of Sociolinguistics* (pp. 447-454). Oxford: Elsevier.
- Meakins, Felicity. (2013). "Mixed languages". In P. Bakker and Y. Matras (eds.), *Contact languages: a comprehensive guide* (pp. 159-228). Berlin/Germany: De Gruyter Mouton.
- Meeuwis Michael and Jan Blommaert. (1998). "A Monolectal View of Code-Switching". In Auer, P. (ed.), *Code-Switching in Conversation* (pp. 76-100). London/New York: Routledge
- Mesthrie, Rajend. (2002). "Code-mixing". In R. Mesthrie (ed.), *Concise Encyclopedia of Sociolinguistics* (pp. 442-443). Oxford: Elsevier.
- Muysken, Pieter. (2000). *Bilingual Speech: A Typology of Code-Mixing*. Cambridge University Press.
- , (2011). "Code-switching". In R. Mesthrie (ed.), *The Cambridge Handbook of Sociolinguistics* (pp. 301-314). Cambridge: Cambridge University Press.
- Myers-Scotton, Carol. (1993). *Social Motivation for Codeswitching: Evidence from Africa*. Oxford: Clarendon Press.

- (2002). *Contact Linguistics: Bilingual Encounters and Grammatical Outcomes*. Oxford: Oxford University Press.
- (2003). "What lies beneath: Split (mixed) languages as contact phenomena". In Y. Matras and P. Bakker (eds.), *The Mixed Language Debate* (pp. 73-106). Berlin: Mouton de Gruyter.
- (2006). *Multiple voices: An introduction to bilingualism*. Oxford/ MA: Blackwell.
- Naseh Lotfabbadi, Leyla. (2002). Disagreement in agreement: A study of grammatical aspects of codeswitching in Swedish/Persian bilingual speech. Ph.D. dissertation, Stockholm University.
- Paradis, Michel. (1993). "Linguistic, psycholinguistic, and neurolinguistic aspects of "interference" in bilingual speakers: The activation threshold hypothesis". *International Journal of Psycholinguistics*, 2 (26): 133-145.
- Pfaff, Carol W. (1979). "Constraints on language mixing: Intrasentential code-switching and borrowing in Spanish/English". *Language*, 55 (2), 291-318.
- Poplack, Shana. (1980). "Sometimes I'll start a sentence in Spanish y termino en español: toward a typology of code-switching". *Linguistics*, 18: 581-618.
- (1987). "Contrasting patterns of code-switching in two communities". In E. Wande, J. Anward, B. Nordberg, L. Steensland and M. Thelander (eds.), *Aspects of multilingualism: Proceedings from the Fourth Nordic Symposium on Bilingualism* (pp. 51-77). Uppsala: Borgströms.
- Rezaeian, Fereshteh. (2009). Structural and Social Aspects of Codeswitching among Iranian/Canadian Bilinguals. M.A. Thesis, Simon Fraser University.
- Sebba, Mark. (2009). "On the notions of congruence and convergence in code-switching". In B. E. Bullock & A. J. Toribio (eds.), *The Cambridge Handbook of Linguistic Code-switching* (pp. 40-57). Cambridge: Cambridge University Press.
- Treffers-Daller, Jeanine. (2009). "Code-switching and transfer: an exploration of similarities and differences". In B. E. Bullock & A. J. Toribio (eds.), *The Cambridge Handbook of Linguistic Code-switching* (pp. 58-74). Cambridge: Cambridge University Press.
- Vogt, Hans. (1954). 'Language contacts', *Word* 10, 2-3: 365-374.
- Wardhaugh, Ronald. (2006). *An Introduction to Sociolinguistics*. MA, Oxford: Blackwell Publishing.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی